

Dr. Bagheri's Online Critical Thinking Courses

دوره آموزش مهارت تفکر در تلویزیون آینه

جلسه چهل و دوم

سنجش فضیلت های فکری

Intellectual Dispositions

این برنامه آموزشی با پشتیبانی و حمایت بنیاد غیر انتفاعی آینه تهیه و تقدیم حضور شما عزیزان میشود. در این بسته آموزشی که صد جلسه خواهد بود، اصول درست فکر کردن بر اساس آموزه های تفکر نقادانه، (Critical Thinking) و با بهره گیری از آخرین یافته های علمی در زمینه تفکر، آموزش داده میشود. هدف از این برنامه آشنایی همگان با اصول درست اندیشیدن است تا از این طریق شاهد گسترش هر چه بیشتر عقل ورزی و خردگرایی در جامعه باشیم.

در این جلسه پرسشنامه ای را که میزان فضیلت های فکری را اندازه گیری می کند مورد توجه قرار میدهیم. در این پرسشنامه دو جمله در سمت راست و چپ دیده میشود و از پرسش شونده خواسته میشود متناسب با نزدیکی هود با این دو جمله یکی از گزینه های A تا E را انتخاب کند. یعنی اینکه اگر جمله سمت راست کاملاً یکی از ویژگی های شما را نشان میدهد گزینه A را انتخاب کنید و اگر تا اندازه ای این ویژگی را دارید گزینه B را انتخاب کنید. به همین ترتیب اگر جمله سمت چپ کاملاً یکی از ویژگیهای فکری شما را نشان می دهد گزینه E را انتخاب کنید، اگر تا اندازه ای این ویژگی را دارید گزینه D را انتخاب کنید. اگر نسبت به این ویژگی در حد وسط قرار دارید یا نظری ندارید گزینه C را انتخاب کنید.

پرسشنامه فضیلت های فکری در تفکر نقادانه

	A	B	C	D	E	
۱	من شخص کنجکاو هستم و میخواهم در باره هر چیزی بدانم. صادقانه بگویم گاهی در باره زندگی خصوصی دوستان یا فامیل پرس و جو میکنم.					من کنجکاو خود را به گونه ای مدیریت می کنم تا به اطلاعات مفید که به درد زندگی و کارم بخورد دست پیدا کنم. من مغز خود را با اطلاعات به درد نخور پر نمی کنم.
۲	من اطلاعات عمومی زیادی دارم. میدانم در سال 1990 کدام بازیکن تیم فوتبال روسیه دوپینگ کرده بود. میدانم که کدام شاعر توسط همسرش مسموم شد.					من اطلاعات عمومی درباره چیزهایی که به درد زندگی ام میخورد دارم. میدانم کدام غذاها فشار خون را بالا می برند و چگونه ممکن است ما را در شبکه های اجتماعی هک کنند.
۳	اطلاعاتی که من درباره سایر ادیان و مذاهب دارم همان اندازه ای است که در کتاب های مدرسه و در تلویزیون از روحانیون شیعه شنیده ام.					برای اینکه درباره سایر ادیان و مذاهب بدانم کتاب های خودشان را میخوانم و به برنامه های خودشان گوش میکنم تا اطلاعات دست اول داشته باشم.
۴	در مدرسه و دانشگاه اینقدر حجم مطالب درسی زیاد بود که من هر چقدر فرصت داشتم به حفظ مطالب درسی می پرداختم و فرصتی برای فکر کردن درباره آنها نداشتم. اگر هم وقت زیاد می آوردم به بازی و تفریح مشغول می شدم.					من با آگاهی از اینکه یادگیری عمیق زمانی اتفاق می افتد که به مطالب درسی فکر کنیم و به تحلیل و بررسی آنها بپردازیم، زمانی را برای اینگونه فعالیت ها در نظر میگیرم حتی اگر به قیمت این تمام می شد که فرصت نکنم برخی از قسمت های کتاب را مطالعه کنم.
۵	وقتی موضوعی مطرح است یا از من سوالی می شود که درباره آن اطلاعات چندانی ندارم، هرگز از پاسخ دادن صرف نظر نمی کنم. سعی میکنم با اعتماد به نفس درباره آن اظهار نظر کنم.					وقتی دیگران درباره موضوعی صحبت می کنند یا از من سوالی میشود که درباره آن اطلاع چندانی ندارم، از اظهار نظر خودداری می کنم و با جرات و اعتماد به نفس می گویم در این باره چیزی نمی دانم.
۶	من میدانم که ممکن است در لاپلای افکار و باورهای من، ایده هایی نادرست و اشتباه رخنه کرده باشد.					من اطمینان دارم که هیچ باور نادرستی ندارم چون به دقت در باره ایده های ذهنی خود اندیشیده ام.
۷	من میدانم که سوگیری ها و تعصب ممکن است اجازه ندهد منطقی و منصفانه فکر کنم و همیشه سعی میکنم مراقب باشم.					من تعصب و سوگیری ندارم. اگر هم باشد کاملاً در کنترل من هستند و جای هیچ نگرانی نیست.
۸	من میدانم که افکار و عقاید من تحت تاثیر محیطی که در آن بزرگ شده ام قرار دارد و این نوعی محدودیت را در دیدگاه من ایجاد می کند.					من بسیار خوشحالم که در این نقطه از جهان به دنیا آمدم و پرورش یافتم. اگر در محیطی دیگر پرورش یافته بودم، الان فردی گمراه بودم.
۹	من وقتی کسی را دوست داشته باشم یا از کسی متنفر باشم به سختی می توانم درباره او منصفانه و منطقی فکر کنم زیرا حب و بغض مانع از ادراک صحیح میشود.					برای من اصلاً فرقی نمی کند که به کسی علاقه داشته باشم یا از کسی متنفر باشم. این چیزها تاثیری بر فکر و ادراک من ندارد و به راحتی در باره اشخاص بطور منطقی فکر می کنم.

۱۰	مفاهیم ذهنی من به خوبی پدیده های جهان را نمایندگی می کنند. من اطمینان دارم که اشخاص و رویدادها به شکلی دقیق در ذهن من مفهوم سازی شده اند.					من نسبت به مفاهیم ذهنی خود که برای پدیده های مختلف اعم از اشخاص و مکانها و رویدادها ساخته ام اعتماد صد در صد ندارم. چه بسا که من پدیده ها را به شکلی نادرست مفهوم سازی کرده باشم.
۱۱	من ابتدا به موضع گیری ها نگاه میکنم بعد به دلایل. اگر کسی نظر و عقیده اش با من هماهنگ باشد حرفش را قبول میکنم و دلیل و برهان نمی خواهم.					برای من دلایل مهمتر از موضع گیری هاست. اینکه کسی نظر موافق یا مخالف داشته باشد اهمیتی ندارد. مهم این است که چه دلایلی برای نظر خود دارد.
۱۲	من ضرورتی نمی بینم که برای تصمیم ها یا نظرات خود دلیل داشته باشم. دلیل آوردن برای دیگران نشانه ضعف است.					من سعی میکنم برای تصمیم ها و نظرات خود دلیل داشته باشم و هر زمان لازم باشد دلایل خود را برای دیگران توضیح می دهم.
۱۳	به نظر من دلیلی ندارد پدر خانواده یا رئیس اداره بخواهد تصمیم هایش را برای دیگران توضیح دهد. اینکار از اقتدار او می کاهد.					به نظر من بهتر است پدر خانواده یا رئیس اداره دلایلی که برای تصمیم های خود دارند را برای دیگران توضیح دهند.
۱۴	هر گاه دلایل من برای دیگران قانع کننده نباشد، به احساسات متوسل میشوم. انسانها به احساسات بهتر از استدلال جواب می دهند. باید به احساسات متوسل شویم.					من برای قانع کردن دیگران به احساسات متوسل نمی شوم. بهتر است دیگران را با دلایل خود قانع کنیم.
۱۵	اگر از من سوال کنید که آخرین بار که با دلیل قانع شدم و نظر خود را عوض کردم یادم می آید که همین چند روز پیش این اتفاق افتاد.					اگر از من سوال کنید که آخرین بار که با دلیل قانع شدم و نظر خود را عوض کردم یادم می آید که همین چند روز پیش این اتفاق افتاد.
۱۶	به نظر من عقل بشر قادر به فهم همه چیز نیست و نمی بایست به عقل تکیه کنیم چون عقل اشتباه می کند.					به نظر من عقل بشر بهترین وسیله ای است که در اختیار اوست. باید به عقل اعتماد کرد. عقل اگر اشتباه کند، متوجه می شود و آن را جبران می کند.
۱۷	من فکر میکنم راه دل از راه عقل برای درک و فهم امور معنوی بهتر است. عقل ورزی انسان را بدبین می کند.					من بین راه عقل و راه دل، عقل را انتخاب می کنم. برخلاف کسانی که میگویند پای استدلالیان چوبین بود، من میگویم روش عقلی همچنان بر دیگر روش ها برتری دارد.
۱۸	به نظر من استفاده درست از عقل و بطور کلی عقل ورزی فقط از عهده فیلسوفان و روشنفکران ساخته است و بهتر است دیگران از این دو گروه تبعیت کنند.					به نظر من هر کسی باید بتواند عقل خود را بکار بگیرد و عقل ورزی صرفاً یک کار روشنفکری نیست. همه باید روش استفاده از عقل را بیاموزند.
۱۹	من به این جمله که می گوید خواهی نشوی رسوا هم رنگ جماعت شو اعتقاد دارم. انسان نباید برخلاف جریان آب حرکت کند.					من معتقدم هر انسانی باید خودش فکر کند و لزومی ندارد اگر مردم کاری را انجام می دهند ما با آنها هم رنگ شویم.
۲۰	من شهامت مخالفت با دیگران را ندارم و میخوام زندگی آرامی داشته باشم.					من اگر عقیده ای را نادرست بدانم با آن مخالفت می کنم و ترسی ندارم.

۱۱	وقتی عقیده ای مورد قبول مردم یک منطقه است باید به آن احترام گذاشت و با آن مخالفت نکرد. همین که عموم مردم با انجام کاری موافق هستند دلیلی بر درستی آن است. همه که اشتباه نمی کنند.				به نظر من اگر همه مردم هم به چیزی اعتقاد داشته باشند ضمن احترام به نظر اکثریت ولی این دلیلی بر درستی آن نیست. من همچنان نظر مخالف خود را ابراز می کنم ولی اگر قرار به تصمیم گیری باشد رای با اکثریت است.
۱۲	وقتی باوری قرن ها دوام آورده و شخصیت های تاریخی مهمی آن را قبول داشته اند، این دلیلی بر درستی آن است. نباید با چنین باورهایی که قدمت چند صد ساله یا هزار ساله دارد مخالفت کرد.				اینکه باوری قرن ها دوام آورده و حتی شخصیت های مهم تاریخی و نوابغ گذشته آن را قبول داشته اند دلیلی بر درستی آن نیست و باید بتوان با دلیل ثابت کرد که درست است.
۱۳	من اگر متوجه شوم خانواده یا دوستانم بخاطر داشتن عقیده و نظری از من ناراحت می شوند از آن دست خواهم کشید.				من اگر متوجه شوم فکر و عقیده ای درست است به هیچ قیمتی از آن دست نمیکشم حتی اگر خانواده و دوستان تحویل نگیرند.
۱۴	برای من زیاد پیش آمده که خواستم تصمیمی بگیرم ولی وقتی با مخالفت دیگران مواجه شدم از آن دست کشیدم.				من اگر تصمیمی را درست تشخیص دهم آن را انجام میدهم و مخالفت دیگران روی من تاثیر چندانی ندارد.
۱۵	من در بیشتر امور خودم فکر می کنم و تصمیم می گیرم و کمتر کس دیگری برای من تصمیم می گیرد.				من در بیشتر امور خودم تصمیم گیرنده نیستم و معمولا کس دیگری برای من تصمیم می گیرد.
۱۶	من در انتخابات با فکر و نظر خود رای میدهم و عقیده و نظر هیچکس برای من تعیین کننده نیست.				من در انتخابات بنا به نظر شخصیتی که برای من خیلی مهم است تصمیم میگیرم و نظر او را بر نظر خودم مقدم می دانم.
۱۷	من در سبک زندگی و لباس پوشیدن انسان مقلدی هستیم.				من در سبک زندگی و لباس پوشیدن از هیچکس تقلید نمی کنم.
۱۸	من وقتی واکسن کرونا ساخته شد جزو کسانی بودم که برای واکسن زدن لحظه شماری می کردم.				من نسبت به واکسن کرونا بدبین بودم و علاقه ای به واکسن زدن نداشتم.
۱۹	من فکر میکنم کشور ما مهد تمدن بوده و هیچ کشوری به اندازه وطن من باشکوه نیست و هنر نزد ایرانیان و بس.				من فکر میکنم هر کشوری و هر فرهنگی ویژگی های مثبت و منفی خاص خود را دارد و هیچ فرهنگی بطور مطلق برتر از بقیه نیست.
۲۰	من اساسا به فکر کردن زیاد علاقه ندارم و تصمیم هایم را با دلم میگیرم. احساس از عقل مهمتر است.				من به فکر کردن اهمیت می دهم و سعی میکنم با احساسات تصمیم نگیرم. عقل از احساس مهمتر است.
۲۱	من اغلب ناهماهنگی هایی بین افکار گفتار و اعمال خود میبینم.				من معمولا هیچ ناسازگاری بین افکار گفتار و اعمال خود نمی بینم زیرا به دقت روی آنها کار کرده ام.
۲۲	من میدانم که بعضی مواقع بر طبق باور هایی که از آنها دم میزنم رفتار نمیکنم.				من هرگز بر خلاف باور هایی که از آنها دم میزنم رفتار نمیکنم.

۳۳	وقتی اشتباه میکنم سعی میکنم اشتباهات خود را فراموش کنم.	من عادت دارم بر نحوه فکر و تصمیم گیری خود را نظارت داشته باشم تا بتوانم از اشتباهات خود بیاموزم.
۳۴	در اختلاف نظرها سعی می کنم از دید طرف مقابل به موضوع نگاه کنم.	در اختلاف نظرها سعی می کنم از دیدگاه خود بر اساس منطق ذهن خود دفاع کنم.
۳۵	در توضیح نظرات مخالف خود، ادب را رعایت می کنم و از تمسخر و توهین خودداری می کنم.	وقتی نظرات مخالف خود را توضیح می دهم دست خودم نیستم و آنها را با تمسخر شرح میدهم چون واقعا به ذهنم مسخره می آیند.
۳۶	من معمولا از فعالیت های فکری زود خسته می شوم و آنها را نیمه کاره رها می کنم.	من وقتی فعالیتی را شروع کنم معمولا تا پایان آن را ادامه می دهم.
۳۷	من از شک و تردید خوشم نمی آید و همیشه سعی می کنم با دید مثبت امور را ببینم.	من از شک و تردید خود استفاده می کنم تا نظرات مختلف را بسنجم تا کلاه سرم نرود.
۳۸	من پذیرای شنیدن نظرات مختلف هستم و شنیدن هیچ نظر و عقیده ای من را ناراحت و عصبانی نمی کند.	من اصلا حوصله شنیدن حرف مفت را ندارم و با شنیدن عقاید پوچ از کوره در می روم.
۳۹	من پیامد و تبعات افکاری را که مطرح میکنم و نشر می دهم را در نظر میگیرم.	من به تبعات و پیامدهای افکاری که نشر می دهم فکر نمی کنم چون من مسئول این نیستم که مردم چه برداشتی می کنند.
۴۰	وقتی مورد انتقاد قرار می گیرم ناخودآگاه ناراحت و عصبانی می شوم.	من تحمل شنیدن انتقاد از خود را دارم و ناراحت و عصبانی نمی شوم.